

نویسنده : ستاسا سالاکانین «Stasa Salacanian» .

منبع و تاریخ نشر : کریدل «2025-04-03» .

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

بزرگترین ترس ترامپ در غرب آسیا؟ چین

Trump's biggest fear in West Asia? China

در حالی که چین جایگاه اقتصادی، فناوری و دیپلماتیک خود را در سراسر غرب آسیا تقویت می کند، بسیاری پیش بینی می کنند که دولت ترامپ در حال بازگشت به دنبال مقابله با صعود پکن و جلوگیری از دسترسی این کشور به منابع حیاتی انرژی باشد.

As China strengthens its economic, technological, and diplomatic foothold across West Asia, many anticipate that a returning Trump administration will seek to counter Beijing's ascent and obstruct its access to critical energy supplies.

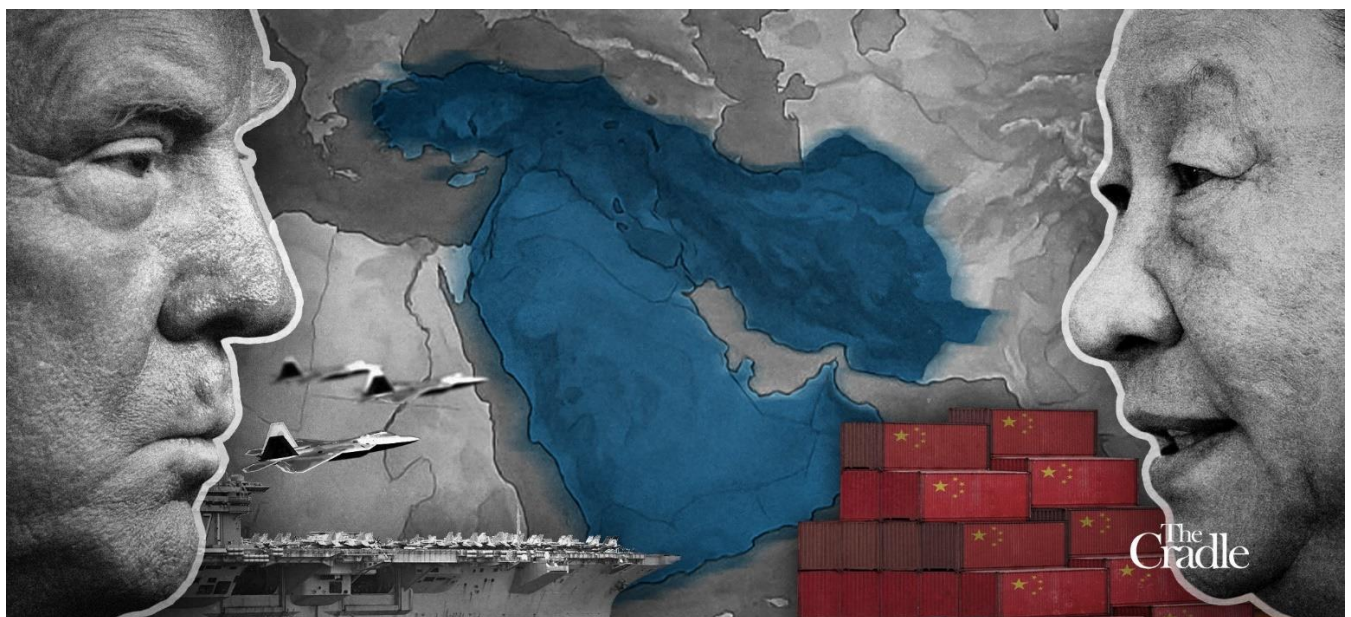


Photo Credit: The Cradle

طی دهه گذشته، چین حضور استراتژیک خود را در منطقه خلیج فارس تعمیق بخشیده است و به یک شریک تجاری، واردکننده انرژی، سرمایه گذار و توسعه دهنده زیرساخت

تبدیل شده است. غرب آسیا، به طور کلی، نشان دهنده یک اتصال زمینی و آبی حیاتی بین آسیا و اروپا است - مسیرهای ترانزیتی کلید موفقیت طرح گسترده و چند تریلیون دلاری کمربند و جاده چین (BRI) برای اتصال دو قاره.

اما پروژه‌های جاه طلبانه غرب آسیا که توسط رئیس‌جمهور چین شی جین‌پینگ راه‌اندازی شد، می‌تواند در دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ با موانعی روبرو شود.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، تنها در دو ماه اول ریاست‌جمهوری خود، دستورات اجرایی را با اولویت صنعت داخلی امضا کرد، تعرفه‌های گمرکی را بر طیف وسیعی از واردات خارجی وضع کرد و دکنترین «اول آمریکا» را احیا کرد. در حالی که هدف چین حفظ و گسترش روابط متنوع خود با منطقه است، واشنگتن و پکن در مسیر تشدید رقابت در یکی از حساس‌ترین عرصه‌های ژئوپلیتیکی جهان هستند.

یک سند محرمانه فاش شده به نام «راهنمای دفاع استراتژیک ملی موقت» که اخیراً در میان مقامات پنتاگون دست به دست می‌شود، مواضع جنگ طلبانه فزاینده ایالات متحده را تأیید می‌کند. پیت هگزت، وزیر دفاع، درگیری احتمالی با چین بر سر تایوان را اولویت اصلی خود دانسته و در عین حال مهار روسیه را به متحدان اروپایی برون سپاری کرده است. خطرات دیگر - به ویژه از سوی کره شمالی، ایران و روسیه - پذیرفته شده است، اما نگاه استراتژیک به طور غیرقابل انکار متوجه چین است.

هدف قرار دادن تهران برای تضعیف پکن

در این زمینه، ایالات متحده فشار بر متحدان خود را برای افزایش هزینه های دفاعی، به ویژه در اروپا، غرب آسیا و شرق آسیا افزایش می‌دهد. کارزار مستمر آن برای "فشار حداکثری" بر ایران هدف دوگانه ای را دنبال می‌کند: مهار تهران و اختلال در صادرات نفت ایران به چین.

منطق واضح است - واشنگتن با محدود کردن ایران، یک شریک کلیدی انرژی چین را تضعیف می‌کند و نفوذ پکن را در منطقه ای که برای برنامه‌های BRI آن حیاتی است، محدود می‌کند. دکتر ناصر التمیمی، یک اقتصاددان سیاسی مستقر در بریتانیا و متخصص در روابط خلیج فارس و چین، به The Cradle توضیح می‌دهد که واشنگتن احتمالاً فشار بر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) را تشدید خواهد کرد تا از پکن فاصله بگیرند - به طور بالقوه از ابزارهای مبادله ای برای دستیابی به این هدف استفاده می‌کند.

با این حال، پادشاهی‌های خلیج فارس ثابت کرده‌اند که در محافظت در برابر دستکاری‌های ایالات متحده، در صورت لزوم، مهارت دارند. تمیمی انتظار دارد که آنها

به استراتژی همسویی های متنوع خود برای حفظ استقلال و به حداکثر رساندن منافع ادامه دهند.

در واقع، تا سال 2023، چین به شریک تجاری پیشرو برای اکثر کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا تبدیل شده بود. تجارت بین چین و منطقه از 262.5 میلیارد دلار در سال 2017 به بیش از 507 میلیارد دلار تا سال 2022 تقریباً دو برابر شد. چین اکنون بیش از نیمی از واردات نفت خام خود را از خلیج فارس تامین می کند. علی رغم تلاش ها برای جلوگیری از اتکای بیش از حد به هر تامین کننده، پکن همچنان به خط حیاتی انرژی منطقه وابسته است.

در حالی که چین تسلط محدودی بر محاسبات استراتژیک ریاض دارد، انتظار می رود از ابزار اقتصادی خود برای کاهش تأثیر هرگونه معامله عربستان و ایالات متحده که منافع این کشور به ویژه در زمینه فناوری را تهدید می کند، استفاده کند. پکن همچنین در چارچوب های نظامی تحت رهبری ایالات متحده مانند «ناتوی عربی-اسرائیلی» غلبه کرده است، و در حالی که هنوز نمی تواند با معماری امنیتی واشنگتن رقابت کند، احتمالاً به دنبال جایگزین های خلاقانه ای برای تثبیت نقش خود است.

آزمایش تورنسل غزه

انتخاب مجدد ترامپ، همراه با جنگ جاری غزه، استراتژی طولانی مدت پکن در ایجاد تعادل دیپلماتیک را مورد آزمایش قرار داده است. برای سال ها، چین روابط صمیمانه با همه بازیگران کلیدی - عربستان سعودی، ایران، اسرائیل و قطر حفظ کرد. اما تغییرات اخیر منطقه ای، یک اصلاح مجدد را مجبور کرده است.

دکتر جان کالابرز، متخصص چین و آسیای غربی در دانشگاه آمریکایی واشنگتن دی سی، معتقد است که تحولات منطقه ای، نه رقابت قدرت های بزرگ، نیروی اصلی شکل دهنده واقعیت ژئوپلیتیک جدید است. با این وجود، دور دوم ریاست جمهوری ترامپ احتمالاً منجر به دو برابر شدن تلاش های واشنگتن برای انکار پایگاه نظامی چین و فشار بر متحدان برای ترجیح دادن فناوری های غربی به جایگزین های چینی می شود، همانطور که دولت بایدن تلاش کرد انجام دهد. همانطور که Calabrese به کریدل می گوید: موفقیت چنین تلاش هایی تا حد زیادی به این بستگی دارد که آیا ایالات متحده می تواند با بخش خصوصی برای ارائه جایگزین های قابل دوام و رقابتی همکاری کند. اگرچه چین در سال های اخیر هجوم های فزاینده ای در خاورمیانه [آسیای غربی] داشته است، نقش این کشور - مانند ایالات متحده - به همان اندازه با توجه به ملاحظات استراتژیک بازیگران منطقه ای و رقابت کلی بین ایالات متحده و خود چین شکل خواهد گرفت.

نفوذ منطقه ای چین در مارس 2023 زمانی که میانجی گری یک گرم شدن دیپلماتیک بین ایران و عربستان سعودی بود، به طور کامل نمایان شد. در حالی که پکن از جانبداری

اجتناب کرده است، اقدام متعادل کننده آن تحت فشار است. تمدید تحریم‌های ایالات متحده در دوران ترامپ و تهدیدهای مداوم به حمله ممکن است تهران را تحریک کند و خطر تشدید تنش هسته‌ای یا سایر اقدامات بی‌ثبات‌کننده را به دنبال داشته باشد.

Calabrese هشدار می‌دهد که کاخ سفید ترامپ می‌تواند به دنبال حذف توانایی ایران برای صادرات نفت باشد - موضعی تهاجمی که محاسبات منطقه‌ای را به هم می‌زند و پکن را به سمت هماهنگی نزدیک‌تر با تهران سوق می‌دهد.

کاخ سفید ترامپ احتمالاً قصد دارد صادرات نفت ایران را به صفر برساند و سؤالاتی را در مورد پاسخ ایران - چه از طریق تشدید تنش هسته‌ای یا دیگر ابزارها - ایجاد کند که ممکن است محاسبات اعراب خلیج فارس و چین را به طور یکسان پیچیده کند.

جنگ وحشیانه در غزه فشار دیگری را به تلاش‌های چین برای دیپلماسی متعادل اضافه کرده است. علیرغم عدم تضاد منافع مستقیم با تل‌آویو، امتناع پکن از محکومیت حماس و انتقاد شدید آن از جنایات جنگی اسرائیل، روابط را تیره کرده است. تحلیلگران غربی چین را به قربانی کردن بی‌طرفی متهم می‌کنند، اما جانب داری آشکار دولت‌های خود را نادیده می‌گیرند.

سال گذشته، چین 14 جناح فلسطینی را در نمایشی نادر از دیپلماسی شاتل‌گرد هم آورد که نتیجه آن بیانیه پکن در مورد وحدت فلسطین شد. تحلیلگران معتقدند که این نشانه جاه‌طلبی چین برای شکل دادن به یک راه حل سیاسی برای آرمان فلسطین و به چالش کشیدن اعتبار رو به زوال واشنگتن به عنوان یک واسطه است.

از آنجایی که ایالات متحده همچنان به نادیده گرفتن موضوع مبرم تشکیل کشور فلسطین و ارائه میلیاردها سلاح بی‌مورد به اسرائیل ادامه می‌دهد، خطر واگذاری زمین بیشتر به پکن را دارد که به‌طور پیوسته خود را در آگاهی اعراب و مسلمانان به عنوان بازیگری متعادل‌تر جاسازی می‌کند.

راهروهای رقابت

رقابت ژئوپلیتیکی نیز در پروژه‌های زیرساختی رقیب خود را نشان می‌دهد. کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) تحت حمایت ایالات متحده به عنوان وزنه تعادلی در برابر BRI چین قرار گرفته است. غرب آسیا احتمالاً به عرصه مرکزی این دیدگاه‌های همپوشانی تبدیل خواهد شد. دکتر تمیمی معتقد است که علیرغم چارچوب‌بندی حاصل جمع صفر، بازیگران منطقه‌ای همزیستی عمل‌گرایانه را ترجیح می‌دهند. بعید است که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مستقیماً طرفی را انتخاب کنند. موفقیت هر یک از ابتکارات به این بستگی دارد که واشنگتن و پکن چگونه با آرزوهای منطقه‌ای برای خودمختاری استراتژیک و مشارکت‌های متنوع سازگار شوند.

با توجه به جو گسترده‌تر نوسانات - از جمله جنگ تجاری احتمالی ایالات متحده و چین، درگیری اوکراین، و تهدید جنگ ایالات متحده علیه ایران - مشخص نیست که آیا ترامپ می‌تواند در دستور کار کریدور عمل کند یا خیر. IMEC، مانند BRI، یک پروژه بلندمدت است که موفقیت آن نه تنها به تعهد ایالات متحده بلکه به همکاری چندجانبه پایدار بستگی دارد.

در حالی که رد پای چین در منطقه قوی است، بازگشت ترامپ باعث ایجاد عدم اطمینان عمیق می‌شود. تحلیلگران نگرانند که سیاست‌های نا منظم او به بی ثباتی دامن بزند، دستاوردهای سخت به دست آمده را از بین ببرد و قیمت‌های انرژی را بالا ببرد. به جای هموار کردن مسیری به سوی صلح یا رفاه، دکتترین جدید ترامپ ممکن است نزول غرب آسیا را به عصر جدیدی از چندپارگی و رقابت شدید قدرت‌های بزرگ تسریع بخشد.

سطری چند درمورد نویسنده این مقاله :

استازا سالاکانین یک روزنامه نگار آزاد است که برای چندین روزنامه در سراسر خاورمیانه از جمله BQ Doha و Qatar Today می‌نویسد. او در مورد مسائل خاورمیانه، تجارت و روابط سیاسی، سوریه و یمن، تروریسم و دفاع مطالب زیادی



نوشته است

----- با تقدیم احترامات «2025-04-06»